

بررسی و واکاوی اولین زیارت مطلقه امام حسین علیه السلام - جمال فرزند وحی، مجتبی زینی وند  
فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه  
سال یازدهم، شماره ۴۴ «ویژه حدیث»، پاییز ۱۳۹۳، ص ۶۹ - ۹۳

## بررسی و واکاوی اولین زیارت مطلقه امام حسین علیه السلام

\* جمال فرزند وحی

\*\* مجتبی زینی وند

**چکیده:** زیارت مطلقه امام حسین علیه السلام حدیثی صحیح و معتبر است که از زمان امام صادق علیه السلام روایت شده است. در این گفتار، ابتدا سند و اعتبار آن اثبات می‌شود، آنگاه نگارنده به بررسی محتوای آن می‌پردازد که جمعاً چهل پیام اصلی در بر دارد: چهار سلام، شش شهادت، چهار اقرار، سه درخواست، چهارده منزلت اهل بیت، پنج نفرین، دو حمد، یک سلام و یک برائت. نگارنده در هر بخش، در مورد پیامهای آن تحقیق کرده و معانی آنها را بیان می‌دارد. یعنی بررسی سندی و دلالی این زیارت‌نامه معتبر را ارائه می‌کند.

**کلیدواژه‌ها:** امام حسین علیه السلام - زیارت / زیارت امام حسین علیه السلام - بررسی سندی / زیارت امام حسین علیه السلام - بررسی دلالی.

یکی از زیارات مطلقه حضرت امام حسین علیه السلام که مقید به زمان و مکان خاصی نیست؛ زیارتی است که ابن قولویه در باب ۷۹ کامل الزیاره آن را به عنوان نخستین زیارت از بین پانزده زیارتی که نقل نموده، آورده است (ابن قولویه، ۱۳۵۶، ۱۹۹۵). شیخ عباس قمی نیز در مفاتیح الجنان آن را به عنوان نخستین زیارت، از زیارت‌های هفت گانه مطلقه برای حضرت امام حسین علیه السلام نقل می‌نمایند (قمی، ۱۳۸۵، ۵۱۳ش). این زیارت همواره مورد توجه بزرگان بوده و هست؛ به گونه‌ای که علامه امینی(ره) در تعلیقات خود بر کامل الزیارات بر اهمیت آن تأکید می‌ورزند (ابن قولویه، ۱۹۹۵). این زیارت در کتابهای الکافی، من لا يحضره الفقيه، التهذیب، الوافی، وسائل الشیعه و بحار الانوار دیده می‌شود. این زیارت دارای چهار سلام<sup>۱</sup>، شش شهادت<sup>۲</sup>، چهار اقرار<sup>۳</sup>، سه درخواست<sup>۴</sup> چهارده شان و منزلت برای اهل بیت<sup>۵</sup>، پنج لعنت<sup>۶</sup>، دو حمد<sup>۷</sup>، یک سلام<sup>۸</sup> و یک برائت<sup>۹</sup> جمعاً در ۴۰ فقره طبق ضبط ضبط محدث قمی است.

### ۱- واژه‌شناسی

زیارت: قَصَدْتُ زَوْرَهُ مثُل عبارت وَجْهَتِهِ يعني با او رو برو شدیم. چهره به چهره اصطلاحی است که در زبان فارسی و برخورد و دیدار حضوری به کار می‌رود. رجل زائر<sup>۱۰</sup>

۱. السلام عليك يا حججه الله و ابن حججه السلام عليك يا قتيل الله و ابن قتيله، السلام عليك يا ثار الله و ابن ثاره. السلام عليك يا وتر الله المؤتور في السماوات والأرض.
۲. أشهد أنك سكن في الخلد. أشهد أنك حججه الله و ابن حججه و أشهد أنك قتيل الله و ابن قتيله. أشهد أنك قد بلغت و نصحت.
۳. أنا عبد الله و مولاك و في طاعنك و لا أفق إلينك.
۴. التيس كمال المتنزه عند الله و ثبات القدم في الهجرة إليك و السبيل الذي لا يحتاج دونك من الدخول في كفالتك التي أمرت بها.
۵. من أراد الله دينا يكمل بين الله الكتاب و يكمل يساعد الله الرمان الكلب و يكمل فتح الله و يكمل يفتح الله ... و يكمل تسيح الأرض.
۶. عنت أمة قاتلوكم و أمة خالقكم و أمة جحدت ولاتيكم و أمة ظاهرت عليكم و أمة شهدت ولم تستشهد.
۷. الحمد لله الذي جعل النار شفاهم و ينس ورد الوردين و يشن الورز المورود، و الحمد لله رب العالمين.
۸. و صلى الله عليك يا آبا عبد الله.
۹. أنا إلى الله ممن خالقك برأي.

و قوم زَوْرٌ مُرَد و قومی زیارت کننده مثل سافر و سفر. هر گاه گفته شود؛ رجل زَوْرٌ مصدری است به صورت صفت مثل ضیف یعنی مهمان. (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۲، ۱۶۲) زُرُتُ فلانا: تلقیتُه (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۴، ۳۶۴). زیارت در لغت عبارت از تمایل و میل کردن است؛ خواه از دور باشد یا از نزدیک و خواه با گرایش قلبی و قصد همراه باشد یا نه. در اصطلاح دینی زیارت تمایلی است که افرون بر میل و حرکت حسّی، قلب هم گرایش جدی پیدا کرده و نسبت به مزور با اکرام و تعظیم قلبی و انس روحی همراه باشد (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ۲۰)

## ۲- بررسی سند زیارت مطلقه

سند این زیارت در کتب روایی به شرح ذیل می‌باشد:

- عَدَةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ ثُوَّبِرٍ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴، ۵۷۵)

- حسن بن الراشد مولی بني العباس (امامی ثقه علی التحقیق) عن الحسین بن ثوبیر ابن ابی

فاخته (امامی ثقه) عن الصادق علیه السلام (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۲، ۵۹۴)

- مُحَمَّدٌ بْنُ يَعْقُوبَ الْكُلَيْنِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَدَةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ ثُوَّبِرٍ (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۶، ۵۴)

- العدة عن أحمد عن القاسم عن جده عن الحسين بن ثوبیر (فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ج ۱۴، ۱۴۸۶)

- مُحَمَّدٌ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَدَةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ ثُوَّبِرٍ (شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۴، ۴۹۰)

- عَنْ سَعْدٍ عَنْ أَبْنِ عِيسَى عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ ثُوَّبِرِ بْنِ

أبی فاخته (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۵۱، ۹۸)

اسناد شیخ طوسی، فیض کاشانی و شیخ حر عاملی همان سند کلینی است و در سند الكافی چهار نفر وجود دارد که به ترتیب با توجه به کتب رجالی مورد ارزیابی قرار

می‌گیرند:

- **احمد بن محمد بن عیسیٰ الاشعربی**: از عبدالله بن ابی رافع صحابی، خزانه‌دار و کاتب حضرت علی علیه السلام در نیمه دوم قرن اول هجری روایت کرده است. وی در نقل روایت از ضعفاء نهی می‌کرد. (ابن غضائی، ج ۱، ص ۳۹ و ۶۷)

در خلاصه اقوال علامه آمده است: **احمد بن محمد بن عیسیٰ بن عبد الله بن سعد بن مالک بن الأحوص بالحاء غير المعجمه بن السائب بن مالك بن عامر الأشعربی من بنی ذخرا** لقی **أبا الحسن الرضا** علیه السلام و **أبا جعفر الثاني** و **أبا الحسن العسكري** علیه السلام و کان ثقة و له کتب (علامه حلی، ۱۴۱۱ق، ۱۴) آیت الله خویی وی را ثقه می‌داند. (خویی، ج ۲، ۲۹۶)

- **قاسم بن یحییٰ بن الحسن بن راشد**: نجاشی در کتاب رجال خود نام ایشان را ذکر نموده است (نجاشی، ج ۱، ۳۱۶)؛ اما در خصوص وی اظهار نظر نکرده است. باید دانست که نجاشی علمای شیعه را در کتابش نام می‌برد و اگر غیرشیعی را ذکر نماید؛ به مذهب وی تصریح می‌کند. و با عنایت به اینکه اگر در جایی نجاشی راوی را مهمل گذاشته است؛ و بر ثقه بودن و ضعیف بودن آن دلالت ندارد؛ مذهب او را صحیح می‌داند. لذا می‌توان گفت که قاسم بن یحییٰ صحیح المذهب است. آیت الله خویی در رقم ۲۸۱۲ در شرح حسن بن راشد مولیٰ بنی العباس می‌نویسد: القاسم بن یحییٰ و هو ثقة على ما ياتى (خویی، ج ۴، ۳۲۴).

- **حسن بن راشد مولیٰ بنی العباس**: شیخ طوسی در فهرست (ص ۱۳۵) و رجال (ص ۱۸۱) خود نام ایشان را ذکر نموده است. وی جزء مصنفین شیعه و صاحب تصنیف بود.

معجم الرجال آیت الله خویی او را امامی و ثقه معرفی نموده است (خویی، ج ۴، ۳۲۲).

- **حسین بن ثوبان ابی فاخته**: نجاشی وی را ثقه می‌داند. (نجاشی، ج ۱۳۶۵، ش ۵۵) شیخ طوسی وی را هاشمی و مولاهم (طوسی، ۱۳۷۳، ش ۱۸۲) معرفی می‌نماید. آیت الله خوئی در رقم ۳۳۲۷ وی را ثقه می‌داند. (خویی، ج ۵، ۲۰۷)

با توجه به مطالب فوق به نظر می‌رسد سند کلینی و شیخ صدقوق و شیخ طوسی،

صحیح است. زیرا که اسنادشان همان اسناد کافی است. اما مجلسی(ره) از کتاب کامل الزياره ابن قولویه قمی (م ۳۶۷) که یکی از بهترین شاگردان محمد بن یعقوب کلینی و از برجسته ترین مشایخ شیخ مفید به شمار می آید؛ این زیارت را نقل می نماید. در سند وی پنج فرد وجود دارد: **عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ رَأْشِدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ ثُوبَرْ** (ابن قولویه، جعفر بن محمد، کامل الزيارات، ص ۱۹۷) در خصوص سعد بن عبد الله، آیت الله خوئی(ره) در معجم الرجال حدود پانزده صفحه در رقم ۵۰۴۸ بحث می نماید. و از نجاشی و شیخ طوسی نقل نموده که وی فقیه، جلیل القدر، واسع الاخبار و کثیر التصانیف است. و در پایان می گوید: فان سعد بن عبد الله ممن لا کلام و لا اشکال فی وثاقته (خوئی، ج ۸، ۷۶) با توجه به مطلب فوق و عظمت کتاب کامل الزياره، وثاقت سند زیارت بالا می رود و زیارت از سندی صحیح و مسند برخوردار است.

### ۳- اختلاف متن زیارت مطلقه در کتب روایی

- ۱- در الكافی جمله: وَ السَّبِيلُ الَّذِي لَا يُخْتَلِجُ دُونَكَ مِنَ الدُّخُولِ فِي كَفَالتِكَ الَّتِي أُمِرْتَ بِهَا بِدِينِ شَكْلٍ: السَّبِيلُ الَّذِي لَا يُخْتَلِجُ دُونَكَ مِنَ الدُّخُولِ فِي كَفَالتِكَ الَّتِي أُمِرْتَ بِهَا آمَدَه است. و نسبت به نقل شیخ عباس قمی(ره) در کلمه لَا يُخْتَلِجُ متفاوت است.
- ۲- جمله: وَ بِكُمْ تُسَبِّحُ الْأَرْضُ الَّتِي تَحْمِلُ أَبْدَانَكُمْ بِدِينِ شَكْلٍ: وَ بِكُمْ تَسِيَّخُ الْأَرْضُ الَّتِي تَحْمِلُ أَبْدَانَكُمْ نقل شده است. و در کلمه تَسِيَّخُ با نقل شیخ عباس قمی متفاوت است.
- ۳- شیخ صدوق فراز السلام علیک یا قتیل الله و ابن قتیله و نیز: وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَتِيلُ اللَّهِ وَ أَبْنُ قَتِيلِهِ را نقل نکرده است و جمله: مَنْ أَرَادَ اللَّهَ بَدَأَ بِكُمْ را سه بار تکرار نموده است. و جمله: وَ أَمَّةُ شَهَدَتْ وَ لَمْ تُسْتَشَهَدْ را بِدِينِ شَكْلٍ ضبط نموده است: أَمَّةٌ شَهَدَتْ وَ لَمْ تَنْصُرْكُمْ.

۳- شیخ طوسی در تهذیب جمله: **جَاهَدْتَ فِي سَيِّلِ اللَّهِ وَ مَضَيَّتَ لِلَّذِي كُنْتَ عَلَيْهِ شَهِيدًا وَ مُسْتَشْهِدًا وَ شَاهِدًا وَ مَشْهُودًا** را این چنین ضبط نموده است: **جَاهَدْتَ فِي سَيِّلِ رَبِّكَ وَ مَضَيَّتَ لِلَّذِي كُنْتَ عَلَيْهِ شَهِيدًا بَرَّا وَ مُسْتَشْهِدًا وَ شَاهِدًا وَ مَشْهُودًا**. در دو کلمه ربک و برا متفاوت است. و نیز جمله: **وَ بِكُمْ تُسَيِّحُ الْأَرْضُ الَّتِي تَحْمِلُ أَبْدَانَكُمْ وَ تَسْتَقِرُ جِبَالُهَا عَنْ مَرَاسِيهَا إِرَادَةُ الرَّبِّ فِي مَقَادِيرِ أُمُورِهِ تَهْبِطُ إِلَيْكُمْ وَ تَصْدُرُ مِنْ بَيْوِنْكُمْ وَ الصَّادِرُ عَمَّا فَصَلَ مِنْ أَحْكَامِ الْعِبَادِ** را این چنین می‌آورد: **وَ بِكُمْ تُسَيِّحُ الْأَرْضُ الَّتِي تَحْمِلُ أَبْدَانَكُمْ وَ تَسْتَقِرُ جِبَالُهَا عَنْ مَرَاسِيهَا إِرَادَةُ الرَّبِّ فِي مَقَادِيرِ أُمُورِهِ تَهْبِطُ إِلَيْكُمْ وَ تَصْدُرُ مِنْ بَيْوِنْكُمْ وَ الصَّادِرُ عَمَّا نَقَلَ مِنْ أَحْكَامِ الْعِبَادِ**. در دو کلمه تستقل و نقل با نقل شیخ عباس قمی متفاوت است.

۴- در کتاب وافی جمله: **وَ بِكُمْ يَقُلُّ الدُّلُّ مِنْ رِقَابِنَا بِدِينِ شَكْلِ آمِدَهِ** است:

بِكُمْ يَفْكُرُ رِقَابُنَا مِنَ النَّارِ (فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ج ۱۴، ۱۴۸۷)

۵- شیخ حر عاملی در جمله: **أَشْهَدُ أَنَّ دَمَكَ سَكَنَ فِي الْخُلْدِ وَ أَقْشَعَرَتْ لَهُ أَظْلَلَةُ الْعَرْشِ وَ بَكَى لَهُ جَمِيعُ الْخَلَائِقِ** جمله **بَكَى لَهُ جَمِيعُ الْخَلَائِقِ رَا نِيَاوَرَدَهِ** است. (شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۴، ۴۹۰)

۶- مجلسی که در بحار از کتاب کامل الزیارات نقل می‌کند؛ جمله: **مَنْ أَرَادَ اللَّهَ بَدَأَ بِكُمْ رَا سه بار تکرار می‌نماید. وَ جمله: الصَّادِرُ عَمَّا فَصَلَ مِنْ أَحْكَامِ الْعِبَادِ، الصَّادِقُ عَمَّا فَصَلَ مِنْ أَحْكَامِ الْعِبَادِ**. ضبط نموده است.

به نظر می‌رسد با توجه به نزدیکی نقل مفاتیح الجنان به نقل کتاب کامل الزیارت بهترین نقل همان ضبط شیخ عباس قمی(ره) است.

۴- توضیحاتی در مورد سلام‌های زیارت

سلام بر امام حسین علیه السلام معانی و پیامهای عمیق و مهمی در بر دارد.

در مورد معنای سلام بر امام معصوم آورده‌اند:

«آن حضرت بر تمام مکانها اشراف دارد و به زائران خود می‌نگرد، سلام آنها را می‌شنود و به آنها نیکوترین پاسخ را بر می‌گردد» (مجموعه رسائل در شرح احادیثی از کافی، ج ۲، ص ۴۰۱).

نیز درجات مختلف معنای سلام را بیان می‌دارد، به ویژه درجه‌ای از آن که در امر الهی آمده است: "صَلُوْا عَلَيْهِ وَسَلَّمُوا تَسْلِيْمًا" (احراب/۵۶). صلاة و تسليم از مؤمنان بدان جهت است که: صلوات بر آنها در متابعت از خدا و ملائکه است، و سلام و تسليم نسبت به ائمه شرط ایمان مؤمنان است، زیرا خداوند، تسليم کامل مؤمنان در برابر پیامبر را شرط ایمان می‌داند (نساء/۶۵). به ویژه در فضای پس از رحلت پیامبر که عدم تسليم در برابر وصیت حضرتش در امر خلافت و عدم تمکین در برابر غدیر، گسترش یافت. (همان، ص ۴۰۱-۴۰۲؛ بنگرید به تفصیل کلام او، در همان کتاب، ص ۴۱۵)

**۱-۴. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَأَبْنَ حُجَّتِهِ** (سلام بر تو ای حجت خدا و فرزند حجت خدا)

حجت الهی بودن امام بدین معناست که قول، فعل، تقریر و هرآنچه به معصوم نسبت دارد؛ حجت است. یکی از جلوه‌های حجت بودن امام این است که دلایل در روز قیامت و حساب، آن چنان متقن ارائه می‌گردد که راه هرگونه عذر و بهانه بر روی گنهکاران بسته می‌شود.

حجت خدا معانی گستردۀ دارد. یکی از معانی آن در حدیث طولانی امام صادق علیه السلام آمده است، به این مضمون که در روز قیامت، سه تن را به عنوان حجت می‌آورند که به گناه نیفتدند: یکی مریم علیه السلام با وجود زیبایی که حجت بر زنان زیبای گنهکار می‌شود، دوم یوسف علیه السلام که به زیبایی و عفاف خود حجت بر مردان زیبای گنهکار می‌شود، سوم ایوب علیه السلام که با وجود گرفتاری‌های زیاد، صبر و شکر را از دست نداد و حجت می‌شود بر کسانی که به بهانه گرفتاری‌ها به گناه افتادند (کلینی، ج ۲، ص ۳۳). زائر با این فراز متذکر می‌گردد که باید همواره به تکلیف عمل کند.

مولی محمد تقی مجلسی در توضیح این جمله می‌نویسد: "حجت خدا و پسر حجت خدا یعنی امامی که از جانب خدا امامی، و امامت از خلق نیست مثل دیگران. و حجت خود را به معجزات با آشکار بر حقیقت امامت خود بر خلق تمام کردی مثل پدرت" (محمد تقی مجلسی، لوامع صاحب قرآنی، ج ۸ ص ۶۱). در تأیید این کلام، دست کم دو مورد از زندگی امامان معصوم علیهم السلام را دیده‌ایم که فردی به حضور ایشان رسیده و پس از دیدن معجزات یا شنیدن حکمت‌های بارز از آن گرامی خطاب به حضرتش گفته است: اشهد انک حجته

علی خلقه (محمد باقر مجلسی، بخار الانوار، ج ۴ ص ۱۱۵، ج ۵۰ ص ۲۵۷)

۴- ۲- السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قَتِيلَ اللَّهِ وَابْنَ قَتِيلِهِ (سلام بر تو ای کشته راه خدا و فرزند کشته راه خدا) این جمله می‌رساند که قتل در راه خدا انسان را به دار سلام می‌رساند و او را شایسته سلام می‌کند. در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است:

أسالك أن تجعل وفاتي قتلا في سبيلك تحت راية نبيك مع أوليائك (ابن طاووس، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۳۹) بدین ترتیب یکی از آثار زیارت مطلقه، مجاهد و مبارز شدن زائر معرفی می‌شود که او را از سستی و تبلی خارج می‌سازد، و مجاهد و تلاشگر تربیت می‌کند.

مولی محمد تقی مجلسی می‌نویسد:

قتیل الله و ابن قتیله، یعنی: ای کسی که تو را به ناحق شهید کردند، و حق سبحانه و تعالی طلب خواهد کرد خون تو را به حضرت صاحب‌الامر صلوات‌الله‌علیه (محمد تقی مجلسی، لوامع صاحب قرآنی، ج ۸ ص ۶۱). وی این معنای غلط را رد می‌کند که بعضی پنداشته‌اند "خدا او را کشته است" (همان).

مولی محمد باقر مجلسی می‌نویسد: قتیل الله، أى: الذى قتل الله أو فى سبيله، أو القتيل الذى طلب دمه و ثاره الى الله (محمد باقر مجلسی، ملاذ الاخيار فی فهم تهذیب الاخبار، ج ۹؛ مرآة العقول، ج ۱۸ ص ۲۹۸؛ بخار الانوار، ج ۹۸ ص ۱۵۴) البته هر سه معنا در یک راستا است و همه را می‌توان

پذیرفت.

۳-۴. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللَّهِ وَابْنَ ثَارِهِ (سلام بر تو ای خون ریخته در راه خدا و فرزند چنین خونی) زائر شهادت می دهد که حسین بن علی علیه السلام خون خود را در راه خدا و حفظ اسلام فدا کرد. جایی که امام حسین خود را فدای مکتب می کند؛ جایی برای مصلحت‌اندیشی نمی‌ماند و باید آماده جان فشانی برای مکتب شد.

وقتی إنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (انعام، ۱۶۲) به راستی و کمال انجام شد؛ انسان ثار خدا می‌گردد و خداوند خود به خونخواهی او بر می‌خیزد. زائر با این جمله متذکر می‌گردد که نباید با اولیاء خدا در افتاد که خونخواه آنها خدای توانا است: الَّذِي يَطْلُبُ اللَّهُ بِدْمِهِ مِنْ أَعْدَائِهِ (مجلسى، ۱۴۰۶ق، ج. ۹، ۱۳۶). و کسی را یارای مقاومت در برابر او نیست.

نیز این پیام را در بردارد که خونخواهی خداوند، به وسیله حضرت مهدی علیه السلام و یارانش خواهد بود، چنانکه در زیارت عاشورا و منابع دیگر تصریح شده است.

۴-۴. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَتْرَ اللَّهِ الْمَوْتُورَ فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ (سلام بر تو، خون خدا که خداوند، از قاتلان کشتگان در راه خود هنوز انتقام نگرفته است). جایی که امام حسین علیه السلام در دفاع از دین تنها می‌ماند؛ زائر متوجه می‌گردد در راه دفاع از دین از تنها بی نهراسد؛ همانگونه که امیر المؤمنین علیه السلام فرمود:

أَيُّهَا النَّاسُ لَا تَسْتَوْهُشُوا فِي طَرِيقِ الْهَدِي لِقْلَةِ أَهْلِهِ، فَإِنَّ النَّاسَ قَدْ اجْتَمَعُوا عَلَى مَائِدَةِ شَبَعِهَا قَصِيرٌ وَجَوْعَهَا طَوِيلٌ (مفید، ۱۴۱۳ق، ۱۳۷) ای مردم در راه راست، از کمی روندگان نهراسید؛ زیرا اکثریت مردم بر گرد سفره‌ای جمع شده‌اند که سیری آن کوتاه، و گرسنگی آن طولانی است.

در خصوص این جمله، در کتاب وافی آمده است: المَوْتُورُ مَنْ قُتِلَ لَهُ قُتْلٌ فَلَمْ يَدْرِكْ بَدْمَهُ (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج. ۱۴، ۱۴۸۶) و در ادامه می‌گوید: المراد به الفرد؛ و إضافته إلى الله إما

بمعنى أنه فرد في عبادة الله أو محبتة أو رتبته عند الله (همان). علامه مجلسی در کتاب ملاذ الآخیار فی فهم تهذیب الأخبار در این خصوص می گوید: أی الفرد المتفرد في الكمال من نوع البشر في عصره الشریف (مجلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۹، ۱۳۶). در کتاب الفایق فی غریب الحدیث می خوانیم:

إن الله وَتُرِّيْ حُبُّ الْوَتَرِ فَأَوْتَرُوا. خَدَا فَرَدٌ وَيَكَانِيْ رَا دُوْسَتْ دَارَد. پَسْ او رَا فَرَدٌ وَيَكَانِيْ بَدَانِيْد. او فَرَدٌ زَوْجٌ اَسْت. يَعْنِي ثَلَاثَ اَثْنَيْنَ اَسْت وَ خَامِسٌ اَرْبَعٌ اَسْت. وَ إِذَا اسْتَجَمَرْتُ فَأَوْتَرٌ. زَمَانِيْ كَه بَرَائِيْ جَمَرَاتٌ سَنْجٌ جَمَعٌ مَيْكَنِيْ؛ فَرَدٌ جَمَعٌ كَنْ.

(زمخشی، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ۳۴۳)

مهمنترین فایده‌ای که زائر در این فقره از آن بهره‌مند می‌شود؛ این است که انسان در مسیر الهی مأمور به انجام تکلیف است؛ حتی اگر تنها شد و کشته شد؛ نتیجه را به خدای علیم و حکیم و گذار.

#### ٥- توضیحاتی در مورد شهادت‌های زیارت مطلقه

١- أَشَهَدُ أَنَّ دَمَكَ سَكَنَ فِي الْخَلْدِ وَ اقْسَعَرَتْ لَهُ أَظْلَالُ الْعَرْشِ، وَ بَكَى لَهُ جَمِيعُ الْخَلَائِقِ، وَ بَكَتْ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَ الْأَرْضُونَ السَّبْعُ وَ مَا فِيهِنَّ وَ مَا بَيْنَهُنَّ وَ مَنْ يَتَقَبَّلُ فِي الْجَنَّةِ وَ النَّارِ مِنْ خَلْقِ رَبِّنَا وَ مَا يُرِيَ وَ مَا لَا يُرِي. گواهی می‌دهم که خون تو در بهشت جاوید، جایگیر شد و عرش به خاطر این مصیبت لرزید و برای او تمام خلائق، آسمانهای هفتگانه، زمینهای هفتگانه و آنچه در آنها و ما بین آنهاست و هرچه در بهشت و دوزخ از مخلوقات است و آن چه دیده می‌شود و دیده نمی‌شود؛ گریستند.

فیض کاشانی می‌نویسد: "دمک سکن فی الخلد، أی: لم یسكن دمک فی الأرض، بل یضطرب بعد و یفور، و إنّها سکن فی الجنان التي هي دار الخلود" (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۱۴، ص ۱۴۸۹).

علامه مجلسی نوشه است: "در بعضی از کتب زیارت آمده است: اظلله العرش مع اظلله الخلائق. یعنی: هفت آسمان و کرسی و حجابها... یا ساکنان عرش، از ارواح مقدس و

عرش چیست؟ و چگونه به سبب خون مظلوم کربلا لرزید؟ در خصوص حقیقت

عرش در روایتی می‌خوانیم:

۷۹

ذَاكِرْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ فِيمَا يَرْوُونَ مِنَ الرُّؤْيَا. فَقَالَ: الشَّمْسُ جُزْءٌ مِنْ سَبْعِينَ جُزْءاً مِنْ نُورِ الْكُرْسِيِّ، وَ الْكُرْسِيُّ جُزْءٌ مِنْ سَبْعِينَ جُزْءاً مِنْ نُورِ الْعَرْشِ، وَ الْعَرْشُ جُزْءٌ مِنْ سَبْعِينَ جُزْءاً مِنْ نُورِ الْحِجَابِ، وَ الْحِجَابُ جُزْءٌ مِنْ سَبْعِينَ جُزْءاً مِنْ نُورِ السُّرُورِ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۹۸، ۱) از امام صادق علیه السلام

در خصوص رؤیت سوال کردم. فرمود: خورشید جزئی از هفتاد جزء کرسی است و کرسی جزئی از هفتاد جزء عرش است و عرش جزئی از هفتاد جزء حجاب است و حجاب جزئی از هفتاد جزء نور ستر است.

این روایت، افق دید زائر را تا بیکران می‌برد. و او را متوجه می‌سازد که نه تنها زمین بلکه عالم هستی در مقابل حادثه کربلا متاثر می‌باشد.

۲-۵. أَشْهَدُ أَنَّكَ حُجَّةُ اللَّهِ وَ أَبْنُ حُجَّتِهِ در این جمله، زائر به حجت و برهان قاطع بودن امام معصوم علیه السلام شهادت می‌دهد. و بر مراقبت و محافظت اعمال خود می‌افزاید. شهادت بر یک امر یعنی پذیرفتن این مطلب - به نحو شهود عینی نه فقط بحث خشک استدلالی - که فعل و قول معصوم، معیار و میزان حق است.

۳-۵. وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَتِيلُ اللَّهِ وَ أَبْنُ قَتِيلِهِ گواهی می‌دهم که تو کُشته خدا و فرزند کشته خدایی. شهادت به کشته شدن امام در راه دین الهی، شهادت در مقابل غیب است. آن که می‌بیند امام در راه دین جان فشانی می‌کند؛ در طی مسیر الهی پایداری به خرج می‌دهد و خود را موظف می‌کند که در مسیر شهادت قدم بردارد.

۴-۵. وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَغْتَ وَ نَصَحْتَ وَ وَفَيتَ وَ جَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ مَضَيْتَ لِلَّذِي كُنْتَ عَلَيْهِ شَهِيداً وَ مُسْتَشْهِداً وَ شَاهِداً وَ مَشْهُوداً. گواهی می‌دهم که تو در راه خدا تبلیغ کردی و امت را نصیحت و ارشاد نمودی و به عهد خدا وفا کرده و حق را ادا

نمودی و در راه خدا به شایستگی تمام جهاد کردی و در این راه به شهادت رسیدی و به مقام شاهد و مشهود نایل شدی.

علامه مجلسی می‌نویسد: کلمهٔ اوفیت، از آیهٔ قرآن است که: من اوفی بما عاهد علیه الله (فتح: ۱۰) یا به معنای وفای کامل و ادائی تمام آنچه برای هدایت و خیرخواهی ضرورت داشت، مانند این آیه که: و ابراہیم الذى وَقَى (نجم: ۳۷) (ملاذ، ج ۹ ص ۱۳۶؛ بحار، ج ۹۸ ص ۱۵۵).

مولیٰ محمدتقی مجلسی شبیه این جملات را در زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام آورده و در توضیح آن می‌نویسد: "به عهدهای الهی عمل نمودی و وفا کردی، و سخنان خدا را تماماً به خلق رسانیدی، و هر چه پیغمبر ﷺ به خلق نرسانیده بود - چون وقتی نشده بود - تو رسانیدی در وقت خود" (محمدتقی مجلسی، لوعام، ج ۸ ص ۶۰۳).

وی می‌افزاید: «در جمیع این فقرات، کنایات است که آن جماعتی که بر تو تقدّم جستند به حسب ظاهر، غرض ایشان احیای کفر بود. و با وجود تقدّم بر تو، آنچه بایست، کردی و نگذاشتی که مطالب (= خواسته‌های) ایشان به فعل آید، و غرضت رضای الهی بود... و در راه دین کوشیدی تا شهید شدی و شاهد خلایق شدی. و رسول خدا شهادت داد و خواهد داد که هر چه بایست، کردی...» (همان، ص ۶۰۳).

نیز در جای دیگر می‌نویسد: «و مشهوداً، يشهد لك الله و رسوله و الملائكة و المؤمنون بأنك كنت مع الحق، و كان الحق معك أينما كنت» (محمدتقی مجلسی، روضة المتقين، ج ۵ ص ۴۱۳).

علامه مجلسی ذیل جمله "مضیت للذی کنت عليه" شش معنا برای لام (در للذی) آورده و بر آن اساس معانی مختلف برای جمله آورده است. (بنگرید: ملاذ الاختیار، ج ۹ ص ۶۴-۶۵؛ مرآة العقول ج ۱۸ ص ۲۹۹-۳۰۰؛ بحار الانوار، ج ۹۷ ص ۲۷۷)

زائر با شهادت به ابلاغ دین، خیرخواهی، وفاداری در تحقق کامل حق و مجاهدت در راه خدا توسط امام، خود به سمت دعوت به حق و خیرخواهی برای مردم سوق پیدا می‌کند. و از امام می‌آموزد که برای تحقق اهداف مقدس باید شهادت جو باشد.

۵-۵. آنَّا عَبْدُ اللَّهِ، زائر اگر متوجه این امر باشد که آزاد نیست و بنده است؛ از میزان و صراطی که برایش ترسیم شده خارج نمی‌شود.

شاید تأکید بر عبودیت خدا بدان جهت باشد که در ذهن زائر، شبھه غلو پیش نیاید، و فراموش نکند که در هر حال، بندۀ خداست و بس. چنانکه در آغاز زیارت جامعه کبیره به زائر امر شده که صد بار تکبیر بگوید.

مولیٰ محمدتقی مجلسی در مورد وجه آن گوید: "دور نیست که وجه تکبیر گفتن این باشد که اکثر طبایع مایل است به غلو، مبادا از عبارات امثال این زیارات به غلو افتاد، یا از بزرگی حق سبحانه و تعالیٰ غافل شود" (محمدتقی مجلسی، لوعام، ج ۸ ص ۶۶۶. نیز بنگردید: شرح مبسوط در مورد تفاوت میان فضیلت و افضالیت، و نفی عقیدة غالیان در این زمینه، که در همان کتاب، ص ۶۶۷ آمده است).

۶-۵. وَ مَوْلَاكَ (دوست تو) اقرار به حب و دوستی امام حسین علیه السلام و پیوند ولايت با حضرتش جدا از عبودیت و بندگی خدا نیست. زائر ابتدا به بندگی خدا اقرار می‌کند: انا عبد الله، و سپس به حب و ولايت امام اقرار می‌کند.

مولیٰ محمدتقی مجلسی می‌نویسد: مولای توام که نعمت هدایت بر من داری، و به برکت ولايت تو، آزاده کرده توأم از آتش دوزخ، یا دوست توأم و در فرمان و به درگاه تو آمده‌ام (محمدتقی مجلسی، لوعام، ج ۸ ص ۶۱۳).

۷-۵. وَ فِي طَاعَتِكَ. امام حسین علیه السلام اطاعتی فراتر از اوامر و دستورات الهی از کسی نمی‌پذیرد. زائر می‌آموزد که: الرَّاغِبُ عَنْهُمْ مَارِقُ وَ الْمُقْصُرُ عَنْهُمْ زَاهِقٌ (کوفی، ۱۴۱۰، ۳۹۶). و این اطاعت همان اطاعت از اولوالامری است که خدا بدان دستور داده است:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَئِكُمُ الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ (نساء: ۵۹) ای کسانی که ایمان آورده‌اید؛ خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را [نیز] اطاعت کنید. پس هر گاه در امری [دینی] اختلاف نظر یافتید؛ اگر به خدا و روز بازپسین ایمان دارید؛ آن را به [کتاب] خدا و [سنت] پیامبر [او]

عرضه بدارید. این بهتر و نیک فرجامتر است.

در آیه مذکور، مومنین را به اطاعت خدا، رسول و اولو الامر دعوت می‌کند؛ و در ادامه می‌فرماید: اگر در امری دچار اختلاف شدید؛ به خدا و رسول مراجعه کنید؛ سیاق آیه نشان می‌دهد خداوند علیم از اینکه امت پیامبر در اولو الامر دچار اختلاف می‌شوند؛ آگاه بوده است. از صدھا روایت و بویژه حدیث غدیر استنباط می‌شود که صاحبان امر همان اهل بیت هستند. صاحب تفسیر تسنیم در ذیل آیه مذکور می‌گوید: در صورت تنازع، رجوع به کتاب خدا و سنت پیامبر اکرم ﷺ برای مؤمنان خیر است و عاقبتی نیکو و خوش دربر دارد. (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۹، ۲۴۰)

۸-۵. وَ الْوَافِدُ إِلَيْكَ (به تو پناه آورده‌ام) امام حسین علیه السلام از خاندان کرم است و پناه آورندگان خود را بدون صله و پاداش برنمی‌گرداند. در زیارت مأثور آمده است: إِنَّ لُكْلُّ وَافِدٍ جَائِزَةً وَ لِكُلٌّ زَائِرٌ كَرَامَةً (مغید، ۱۴۱۳ق، ۱۶۲؛ همین مضمون: کامل الزیارات ص ۲۲۵)

#### ۶- توضیحاتی در مورد درخواستهای متمن زیارت مطلقه

۱-۶. التَّمِسُ كَمَالَ الْمُنْزَلَةِ عِنْدَ اللَّهِ (جویای مقام کاملی در پیش خدا هستم). زائر که تحت تربیت امام قرار می‌گیرد؛ یکی از درخواستهایش منزلت و تقریب الهی است.

۲-۶. وَ ثَبَاتَ الْقَدْمَ فِي الْهِجْرَةِ إِلَيْكَ (پایداری در هجرت به درگاه‌ت). زائر می‌فهمد که برای پیمودن راه امام، استقامت و پایداری نیاز است. علامه طباطبایی در خصوص آیه: إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَنَزَّلَ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَا تَخَافُوا وَ لَا تَحْزُنُوا وَ أَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُتُبْتُ تُؤَدَّعُونَ (فصلت ۳۰) بحثی آورده تحت عنوان «بیان حسن حال مؤمنین استقامت پیشه و آینده نیکویی که در انتظارشان است»، و در آن می‌نویسد: این آیه و آیه بعدش حسن حال مؤمنین را بیان می‌کند که در انتظار آنها است. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۷، ۵۹۱)

مولی محمد تقی مجلسی در توضیح جمله می‌نویسد: «ثبات القدم... للزيارة أو الولاية» (روضۃ المتنین، ج ۵ ص ۴۲۹) و در شرح آن می‌نویسد: «مهاجرت از وطن و اهل و عیال به سوی

تو، یا مهاجرت از دشمنان تو، به سوی تو» (لوامع، ج ۸ ص ۶۱۴).

علامه مجلسی پس از نقل این موارد افروده است: احتمال می‌رود که "فی" برای تحلیل باشد، یعنی: ثبات القدم فی الدین، او فی ولایتك لهجرتی اليك (ملاذ الاختیار، ج ۹ ص ۱۳۷؛ بخار الانوار، ج ۹۸ ص ۱۵۵).

۶- وَ السَّبِيلُ الَّذِي لَا يَخْتَلِجُ دُونَكَ مِنَ الدُّخُولِ فِي كَفَالَتِكَ الَّتِي أَمْرَتَ بِهَا. خواهشم آن است که در هجرت به سوی تو پایدار باشم و برای وارد شدن در کفالت و حمایت تو که به آن مامور گشته‌ای.

زائر وقتی به سوی امام حرکت کرد، در واقع به راهی قدم می‌گذارد که دغدغه و اضطرابی ندارد و خود را تحت سرپرستی و ولایت امام قرار می‌دهد.

مولی محمدتقی مجلسی می‌نویسد: "اسئلک منک آن تدخلی فی کفالتك و حفظک و رعایتك حتی لا يمكن لأحد أن يتزعزع عنك كما يتزعزع أصحاب رسول الله ﷺ عند الحوض" (روضة المتقين، ج ۵ ص ۴۲۹). وی در توضیح این جمله در لوامع صاحب قرانی می‌نویسد: «حق سبحانه و تعالی مرا بدارد به راهی که هر که در آن راه باشد او را نربایند و مانع نشوند در روز قیامت؛ یا در دنیا و عقبی از داخل شدن در پناه تو و در ضمان و عهد و پیمان تو که امر کرده خلائق را که در آن عهد داخل شوند؛ یعنی: امر کرده به ولایت اهل بیت رسولت، و مقرر فرموده که هر که ولای اهل بیت داشته باشد، فردای قیامت - یا در دنیا و عقبی - در کفالت و پناه توست، و کسی از شیاطین جن و انس او را اضلal نتوانند کرد. و در روز قیامت که در حوض کوثر بر تو وارد شود، ملائکه او را نربایند که به جهنم برند» (لوامع صاحب قرانی، ج ۸ ص ۶۱۴). وی به حدیثی استناد می‌کند که در روز جزاء پیامبر گروهی را از ورود بر حوض باز می‌دارد، با اینکه صحابه بوده‌اند.

همین مضامین را علامه مجلسی به بیان خود آورده است (ملاذ الاختیار، ج ۹ ص ۱۳۸؛ مرآة

العقل، ج ۱۸ ص ۳۰۰-۳۰۱؛ بخار الانوار، ج ۹۸ ص ۱۵۵).

## ۷- شئون و مقامات اهل بیت علیه السلام در زیارت مطلقه

- ۱-۷. مَنْ أَرَادَ اللَّهَ بَدَا بِكُمْ (هر که آهنگ خدا کند؛ از شما آغاز کند). زائر برای ورود در بارگاه الهی راهی جز راه امام ندارد. چنانچه در قرآن فرمود: وَ أُتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا (بقره ۱۸۹). رسول اکرم صلوات الله علیه و سلام خود را شهر علم و علی علیه السلام را در آن معرفی نمود (ابن طاووس، ۱۳۷۴، ۳۰۲). بدین ترتیب یکی از آثار و فوایدی که نصیب زائر می‌گردد؛ این است که راه را در پرتو زیارت می‌یابد و می‌فهمد که راه همان راه ائمه است.
- ۲-۷. بِكُمْ يُبَيِّنُ اللَّهُ الْكَذَبَ (به وسیله شما خدا دروغ را آشکار کند). ائمه معصومین همان صراط مستقیمی هستند که معیار تشخیص دروغگو و راستگو هستند. تَحْنُ وَ اللَّهِ الصَّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ (قمری، ۱۴۰۴، ج. ۶۶) زائر باید حرکات و سکنات خود را با محک و معیار حضرات معصومین علیهم السلام بستجد. چرا که تنها راه تشخیص نفاق که همان کفر درونی است؛ عمل امام معصوم است. از پیامبر اسلام نقل شده: كَذَبَ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ يُحِينِي وَ يُغِضِّنُ عَلَيَّا (ابن بابویه، ۱۳۷۶، النص، ۱۲۶) زائر در این فراز متوجه می‌شود که کسی که مخالف راه و عمل امام حرکت می‌کند؛ دروغگویی بیش نیست.
- ۳-۷. وَ بِكُمْ يُبَاعِدُ اللَّهُ الزَّمَانَ الْكَلَبَ (به خاطر شما خداوند، روزگار دشوار و گزنه را دور کند). این فراز زائر را متوجه دولت مهدوی می‌کند و نور امید و رهایی از دردهای زمان در دلش ایجاد می‌گردد. بیاعدالکلب الشدید بهظور صاحب الزمان علیه السلام روزگار دشوار با ظهور حضرت حجت ارواحنا فداء پایان می‌یابد. (مجلسی، ۱۴۰۶، ج. ۵، ۴۳۰)
- ۴-۷. وَ بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ (هر فتح و گشایشی به وسیله شما صورت می‌گیرد). همانگونه که راه شناخت و معرفت خداوند ائمه معصومین هستند؛ هیچ فیضی به سوی کسی گشوده نمی‌شود؛ مگر با عنایت و گشایش توسط ایشان.
- ۵-۷. وَ بِكُمْ يَخْتِمُ اللَّهُ هر خاتمه‌ای به عنایت امام افزایش و کاهش می‌یابد. برخی از روایات، تاثیر زیارت امام حسین علیه السلام را بر افزایش عمر و وسعت رزق بیان کرده و ترک

زيارت را مایه کاهش عمر و رزق شمرده‌اند. مثال:

عن أبي جعفر عَلَيْهِ الْكَفَافُ قَالَ: مَرُوا شِعْتَنَا بِزِيَارَةِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ الْكَفَافُ فَإِنَّ إِتْيَانَهُ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ وَيَمْدُدُ فِي الْعُمُرِ وَيَدْفَعُ مَدَافِعَ السَّوءِ، وَإِتْيَانُهُ مُفْتَرَضٌ عَلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ يُقْرُرُ لِلْحُسَيْنِ بِالإِمامَةِ مِنَ اللَّهِ. (ابن

قولویه، ۱۳۵۶، ۱۵۱) امام باقر عَلَيْهِ الْكَفَافُ فرمود: توصیه و امر کنید شیعیان ما را که به زیارت قبر امام

حسین عَلَيْهِ الْكَفَافُ حرکت کنند؛ زیرا زیارت حضرتش مایه زیادتی در رزق، عمر طولانی و رفع سوء و بدی خواهد بود. بلکه رفتن به زیارت حسین عَلَيْهِ الْكَفَافُ، بر هر مؤمنی که به امامت او معترف است؛ یک فریضه است.

عن أبي عبد الله عَلَيْهِ الْكَفَافُ قَالَ: لَا تَدْعُ زِيَارَةَ الْحُسَيْنِ بْنَ عَلَيْهِ الْكَفَافُ، وَمُرِّ أَصْحَابَكَ بِذَلِكَ، يَمْدُدُ اللَّهُ فِي عُمُرِكَ وَيَزِيدُ فِي رِزْقِكَ وَيُحِيِّكَ اللَّهُ سَعِيدًا وَلَا تَمُوتُ إِلَّا شَهِيدًا وَيَكْتُبُكَ سَعِيدًا. (شیخ حر عاملی،

۱۴۰۹، ج ۲۳۱) امام صادق عَلَيْهِ الْكَفَافُ فرمود: ای عبدالملک هرگز زیارت امام حسین عَلَيْهِ الْكَفَافُ را ترک مکن، بلکه اصحاب و یارانت را به این مسئله توصیه و امر کن. خداوند در سایه زیارت حسین عَلَيْهِ الْكَفَافُ عمر تو را طولانی و رزقت را فراوان می‌کند. و حیات و ممات تو را با سعادت قرین می‌گرداند و تو را در زمرة سعادتمدان محسوب می‌دارد.

۶-۷ وَبِكُمْ يَمْحُو مَا يَشَاءُ وَيُثْبِتُ. خدا آنچه را بخواهد محو یا اثبات کند؛ بواسیله شما انجام می‌دهد. خدای سبحان قدرت دارد که وضع هر کسی را تغییر دهد: گذشته را محو کند: يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثْبِتُ وَعِنْهُ أُمُّ الْكِتَابِ (رعد ۳۹) گناهکاران را می‌بخشد و وارد بهشت می‌شوند، چنانکه گذشته خود و عفو الهی را به یاد نمی‌آورند. و در روایت آمده است: گناهکارانی که از جهنّم نجات می‌یابند؛ شرم کرده و از خداوند درخواست می‌کنند که جمله جهنهمیون عتقاء الرحمن من النار را که نشان پیشینه جهنّمی بودن آنهاست؛ از چهره آنان پاک کند و خداوند نیز خواسته‌شان را می‌پذیرد. بالاتر از این، صفحه خاطرات بهشتیان پیراسته است از آنچه سبب اندوهگینی آنان شود:

وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزَنَ (فاطر ۳۵). برای نمونه حضرت نوح عَلَيْهِ الْكَفَافُ به یاد

نمی‌آورد که فرزند کافرش اکنون در آتش می‌سوزد. در نتیجه غمگین نمی‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ج ۱۱، ۴۵۳). زائر با این فراز متوجه می‌شود که خداوند، عترت را سکاندار لوح محظوظ اثبات قرار داده و به عنایت آنان خطای او محظوظ می‌گردد؛ برخی مفسران در خصوص این جمله که همان آیه ۳۹ سوره رعد است؛ می‌گویند: داستان نجات قوم یونس از این قرار است. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱، ۳۸۷).

فیفعل الله ما يشاء و يحول ما يشاء مثل قوم  
يونس (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ۵۵)

۷-۷ وَ إِنْ كُمْ يَفْكُرُ الذُّلُّ مِنْ رِقَابِنَا. زائر از ذلت گناه رهایی می‌یابد. در زیارت جامعه کبیره به تعلیم امام هادی طیلیه می‌خوانیم: فَمَا أَحْلَى أَسْمَاءَكُمْ وَ أَكْرَمَ أَنْفُسَكُمْ وَ أَعْظَمَ شَأْنَكُمْ وَأَجَلَ حَطَرَكُمْ وَأَوْقَى عَهْدَكُمْ وَأَصْدَقَ وَعْدَكُمْ... وَ إِنْ كُمْ أَخْرَجَنَا اللَّهُ مِنَ الذُّلُّ وَ فَرَّجَ عَنَّا غَمَرَاتِ الْكُرُوبِ وَ أَقْدَنَا مِنْ شَفَاعَةِ الْمُهَلَّكَاتِ وَ مِنَ النَّارِ. (ابن مشهدی، ۱۴۱۹، ۵۳۳) چه شیرین و گرامی است اسمها و جانهایی که به زیارت‌شان رفته است. و چه با عظمت و مهابت است؛ آستانهایی که به سوی آنها مشرف شده است. به وجود آنها رفع گرفتاری می‌شود. و غائله غم فرو می‌نشینند. و اندوه و ماتم رخت بر می‌بنند. و بهشت، برباز و قیامت جای عذاب و آتش می‌نشینند.

بزرگترین ذل و خواری تمسک به گناه است. و ائمه همواره در صدد تزکیه انسانها هستند. در روایت دیگری آمده است:

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلِيِّلَةِ قَالَ: مَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ مُحْتَسِبًا لَا أَشْرَأَ وَ لَا بَطَرَأَ وَ لَا رِيَاءَ وَ لَا سُمْعَةً، مُحَصَّتٌ عَنْهُ ذُنُوبُهُ كَمَا يُمَحَّصُ التَّوْبُ بِالْمَاءِ (ابن قولویه، ۱۳۵۶، ۱۴۴) کسی که حسین بن علی طیلیه را خالصانه و بدون شائبه زیارت کند و از انگیزه‌های تعدی و طغیان یا ریا و سمعه منزه و مبرأ باشد؛ همه گناهان او شسته و پاک می‌شود؛ چنانکه لباس به وسیله آب شسته و پاک می‌شود.

۸-۸ وَ إِنْ كُمْ يُدْرِكُ اللَّهُ تِرَةً كُلًّا مُؤْمِنٍ يُطْلَبُ بِهَا بَهْ وَ سَيْلَهُ شَمَا انتقامُ خُونَ هُرْ مُوْمِنِي كَه

مورد مطالبه است؛ گرفته می‌شود. بزرگترین اثر و فایده‌ای که زائر با این فراز متوجه می‌شود؛ این است که تلاش او در جهت حفظ دین و اطاعت فرمان الهی، اگر متنه‌ی به شهادت او گردد؛ به هدر نرفته و توسط اولیاء خداوند انتقام خونش گرفته می‌شود. و اعمال او در جهت استقرار حاکمیت دین الهی بی‌نتیجه نبوده است. همچنین می‌رساند که متقم خون مؤمنان و پاکان، امام موعد و منتقم از خاندان پیامبر ﷺ است نه هر مدعی دیگر.

۹-۷. وَ يِكُمْ تُنْتِيْتُ الْأَرْضُ أَشْجَارَهَا (به شما زمین، درختان را برویاند). درختان و عالم تکوین به عنایت شما به سمت هدف حرکت می‌کنند. در این جمله زائر متنه‌ی گردد که اگر خود را در تحت تدبیر امام قرار دهد؛ به منتهای تکامل خواهد رسید. شاید مراد از شجر، خاندان باشد که از ارض انسانیت سر بر می‌آورند؛ چنانکه صاحب قاموس قرآن می‌گوید: اطلاق شجره بر نسل و خانواده شایع و معمول است (فرشی بنایی، ۱۴۱۲، ج. ۳، ص. ۴۰).

۱۰-۷. وَ يِكُمْ تُخْرِجُ الْأَشْجَارُ أَثْمَارَهَا (درختان به عنایت شما ثمر می‌دهند).

۱۱-۷. وَ يِكُمْ تُنْزِلُ السَّمَاءُ قَطْرَهَا وَ رِزْقَهَا (به شما آسمان قطرات بارانش و روزیش را بیارد).

۱۲-۷. وَ يِكُمْ يَكْشِفُ اللَّهُ الْكَرْبَ: غم و اندوه با عنایت شما برطرف می‌شود. مشکلات و بلایا با لطف و نگاه امام مرتفع می‌گردد. در برخی روایات آمده است:

إن إلى جانبهم لقبرا ما لقاهم مكروب إلـا نفـس الله كربته و أجاب دعوته (ابن عـقدـه، ۱۴۲۴، ۱۳۹) امام صادق علـیـهـالـبـرـ فرمود: در نزدیکی آنها قبری است که هیچ اندوهگین به سوی آن نرفته است؛ مگر این که خداوند سختی و مشکل او را برطرف و حاجتش را برآورده می‌کند.

امام رضا علـیـهـالـبـرـ فرمود: انـ الحـسـينـ عـلـیـهـالـبـرـ قـتـلـ مـكـرـوبـاـ فـحـقـ عـلـىـ اللهـ جـلـ ذـكـرـهـ أن لا يـأتـيهـ مـكـرـوبـ إـلـا فـرـجـ اللهـ كـرـبـهـ (ثقـفـيـ، ۱۳۹۵، جـ ۲، ۸۵۷) حـسـينـ عـلـیـهـالـبـرـ باـ سـخـتـیـ وـ رـنجـ بهـ شـهـادـتـ رسـیدـ. وـ شـایـستـهـ استـ کـهـ هـیـچـ رـنجـورـ وـ غـمـگـینـیـ بهـ سـوـیـ اوـ نـرـودـ؛ـ مـگـرـ اـینـکـهـ خـداـونـدـ اوـ رـاـ

شادمان و با بر آورده شدن حاجتش برگرداند.

- عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ الْكَاظِمَيْنَ قَالَ: إِنَّ الْحُسَينَ صَاحِبَ كَرْبَلَاءَ قُتْلَ مَظْلُومًا مَكْرُوبًا عَطْشَانًا لَهُفَاناً فَآلَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى نَفْسِهِ أَنْ لَا يَأْتِيهِ لَهْفَانٌ وَلَا مَكْرُوبٌ وَلَا مُذْنِبٌ وَلَا مَغْمُومٌ وَلَا عَطْشَانٌ وَلَا مَنْ بِهِ عَاهَةٌ ثُمَّ دَعَا عِنْدَهُ وَتَقَرَّبَ بِالْحُسَينِ بْنِ عَلَيٍّ عَلَيْهِ الْكَاظِمَيْنَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِلَّا نَفْسَ اللَّهِ كُرْبَتُهُ وَأَعْطَاهُ مَسَالَتُهُ وَغَفَرَ ذَنْبَهُ وَمَدَّ فِي عُمُرِهِ وَبَسَطَ فِي رِزْقِهِ فَاعْتَبِرُوا يَا أُولَئِكُو الْأَبْصَارِ (ابن قولويه، ۱۳۵۶، ۱۶۸)

امام حسین علیه السلام صاحب وادی بلا، مظلومانه و در حال سختی و تشنگی به شهادت رسید؛

از این رو خداوند اینگونه مقرر کرد که هیچ عطشان و خسته‌ای به سوی حسین علیه السلام حرکت نکند و هیچ گنهکار و غمگینی و هیچ انسان تشنه و هیچ انسانی که رنج به او روی آورده، در کنار قبر حسین علیه السلام دست به دعا برندارد؛ مگر اینکه خداوند سختی و مشکلات را از او بردارد و نیازش را پاسخ گوید و گناهش را بیامرزد و در عمر و روزی او توسعه دهد. ای صاحبان خرد و بصیرت عبرت گیرید.

۱۳-۷. وَ يَكُمْ يُنْزَلُ اللَّهُ الْعَيْثَ (و به شما خدا باران را فرو بارد).

۱۴-۷. وَ يَكُمْ تُسَبِّحُ الْأَرْضُ الَّتِي تَحْمِلُ أَبْدَانَكُمْ وَ تَسْتَقِرُ جِبَالُهَا عَنْ مَرَاسِيهَا إِرَادَةُ الرَّبِّ فِي مَقَادِيرِ أُمُورِهِ تَهْبِطُ إِلَيْكُمْ وَ تَصْدُرُ مِنْ بُيوْتِكُمْ وَ الصَّادِرُ عَمَّا فَصَلَ مِنْ أَحْكَامِ الْعِيَادِ (بوسیله شما تسبیح گوید زمینی که بدنهای مطهر شما را برخود دارد؛ و کوههایش بوسیله لنگرهای آن مستقر گردد. و خواست پروردگار در اندازه کارهایش به سوی شما فرود آید. و از خانه‌های شما صادر گردد و نیز آنچه از تفصیل احکام بندگان صدور یابد)

این جمله یکی از مهمترین شیوه امامان معمصوم علیهم السلام را بیان می‌دارد، که شرح آن در این مختصراً نگنجد. در این زمینه گفته‌اند: «انسانهای کامل ظرف اراده خدا می‌شوند و به مقام و ما تنشاؤن إلا أن يشاء الله (دهر ۳۰ می‌رسند و چیزی را نمی‌خواهند مگر آنکه خدا بخواهد. آنگاه هدایت تکوینی همه هستی (اعم از مادی و مجرد) را بر عهده می‌گیرند و همه موجودات را به اذن خدا رهبری می‌کنند. خلیفه خدا همان ید الله است که به

صورت آدمی کار می‌کند. در واقع خود خداوند است که آن فعل را انجام می‌دهد و خلیفه خدا، مجرای صدور فعل و مهبط هبوط و نزول اراده رب است (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۳، ۱۴۸)

## ۸- توضیح لغت‌های زیارت مطلقه

۱-۸. **لِعْنَةُ أُمَّةٍ قَتَلَتُكُمْ** (لغت بر آن امتی که شما را کشتند) کشتن امام به عنوان خلیفه الهی بزرگترین لعنها را در پی دارد. لعن همان طرد شدن از بارگاه رحمت الهی است. قتل بدون حق، منازعه با ربویت رب العالمین است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۵، ۵۱۶) زائر باید مراقب باشد تا به حرب و قتل اولیاء الهی آلوده نشود که لعن الهی را در پی دارد.

۲-۸. **وَ أُمَّةُ خَالَفْتُكُمْ** (لغت بر آن امتی که با شما مخالفت کردند). مخالف امام، در خور لعن است؛ چرا که مخالفت با امام، مخالفت با رسول ﷺ است و مخالفت با رسول ﷺ مخالفت با خداست.

۳-۸. **وَ أُمَّةُ جَحَدَتْ وَلَايَتَكُمْ** (لغت بر آن جماعتی که ولایت شما را منکر شدند) انکار ولایت اهل بیت، قائل شدن به عدم تداوم نبوت در چهره ولایت است.

۴-۸. **وَ أُمَّةُ ظَاهَرَتْ عَلَيْكُمْ** (لغت بر آن امتی که از دشمن شما پشتیبانی کردند) این طاوس در مبحثی تحت عنوان «عقایبت کار حاضرین در صحنه کربلا» این گونه نقل می‌کند: ابن ریاح روایت نمود کوری را دیدم که در صحنه کربلا حاضر بود. و از علت کوری وی پرسیده شد. گفت: در روز عاشورا در کربلا حضور داشتم. بدون اینکه از نیزه، شمشیر و تیر استفاده کنم. بعد از شهادت امام، به خانه‌ام بازگشتم. و بعد از نماز عشاء خفتم. در رؤیا دیدم یکی گفت: دعوت پیامبر را اجابت کن. گفتم: مرا با او چکار؟ گریبانم را گرفت و کشید و نزد پیامبر برد. دیدم پیامبر ﷺ در بیابانی نشسته و آستینها را تا آرنج بالا زده و حربهای در دست دارد. فرشته‌ای در نزدش ایستاد. و شمشیری از آتش بدست داشت. بر هر کسی که شمشیر آتشین فرود می‌آورد؛ آتش

می‌گیرد و شعله‌های آتش از وی بلند می‌شود. جلو رفتم و نزدش بر زانو نشستم و گفتم: السلام عليك يا رسول الله. جوابم نفرمود و مکث طولانی نمود. بعد سر را بالا کرد و فرمود: ای دشمن خدا حرمتم را رعایت نکردم. عترتم را کشتم. و حقم را رعایت ننمودم. و کردی آنچه کردی. گفتم: يا رسول الله، به خدا که شمشیری نزده و نیزه‌ای را فرود نیاورده و نیزه‌ای نیانداختم. فرمود: راست گفتی. و لیکن سیاهی لشکر بودی. نزدیکم بیا. نزدیکش شدم. طشتی پر از خون دیدم. فرمود: این خون فرزندم حسین است. از آن خون در چشمم کشید. از خواب جسمم. از آن زمان تا کنون چیزی را نمی‌بینم (این طاووس، ۱۳۸۰، ۱۶۲). زائر متذکر می‌گردد در طی مسیر باید در جبهه حق قرار بگیرد. سکوت و بی‌طرفی به منزله در جبهه باطل بودن است چنان که گفته‌اند: الساكت عن الحق كالناطق بالباطل. (ابن طیفور، ۱۵)

۵-۸ وَ أَمَّةٌ شَهِدَتْ وَ لَمْ تُسْتَشِهَدْ (لunct برآن امته که حاضر بودند ولی تن به شهادت ندادند). عده‌ای در کربلا حضور یافتند؛ اما زمانی که دیدند که پیروزی ظاهری نصیب امام نمی‌شود؛ امام را رها کردند. مانند هرشمه بن سلیم که از همراهان امیرمؤمنان علیهم السلام در جنگ صفين بود. و پیشگویی آن حضرت درباره شهادت امام حسین علیه السلام در کربلا را شنیده بود. و همراه لشکر حرّ مانع ورود وی به کوفه شد. پس از رسیدن به کربلا نزد امام حسین علیه السلام رفت. و آنچه را دیده بود؛ برای آن حضرت بازگو کرد. امام حسین علیه السلام پس از شنیدن سخنان وی فرمود: اکنون با ما هستی یا بر ما؟ گفت: هیچ یک. زیرا نگران زن و فرزند خود هستم. امام علیه السلام فرمود: حال که چنین است؛ از این منطقه دور شو. چون هرگز استغاثه ما را بشنو و یاریمان نکند؛ سزايش جهنم خواهد بود: فول هرba حتی لاتری مقتلنا. فو الذي نفس حسین بیده لا يرى اليوم مقتلنا أحد ثم لا يعيننا إلا دخل النار (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۵، ۴۰)

افرادی مثل هرثمه معنای آیه النبی اولی بالمؤمنین من انفسهم (احزاب ۶) «پیامبر به مؤمنان

از خودشان سزاوارتر [و نزدیکتر] است» را به دقت متوجه نشدند. یعنی اگر امر مخیر شد بین حفظ جان نبی و جان شخص، حفظ جان نبی در اولویت است. و در مورد امامت که تداوم نبوت است این دستور، ساری و جاری است. چنانکه در تفسیر المیزان می‌خوانیم: معنای اولی بودن رسول خدا<sup>علیه السلام</sup> به مؤمنین از خود مؤمنین، این است که آن جناب نسبت به مؤمنین از خود مؤمنین اختیار بیشتری دارد. و معنای اولویت این است که فرد مسلمان هر جا امر را دائر بین حفظ منافع رسول خدا<sup>علیه السلام</sup> و حفظ منافع خودش دید؛ باید منافع رسول خدا<sup>علیه السلام</sup> را مقدم بدارد. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ۴۱۴) زائر متوجه باشد که صرف حضور در جبهه حق کافی نیست؛ بلکه استقامت تا مرز شهادت کمال است.

#### ۹- حمد در زیارت مطلعه

- الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ النَّارَ مَثَوَّاهُمْ وَبِئْسَ وِرْدُ الْوَارِدِينَ وَبِئْسَ الْوَرْدُ الْمَوْرُودُ (حمد و ستایش مخصوص خدایی است که آتش دوزخ را جایگاه آنان قرار داد و چه بد منزلگاهی است که بر آن وارد می‌شوند) گفته‌اند: الورد بالكسر هو الماء الذي ورد العطاش عليه لشرب الماء لرفع عطشهم والنار ضد الماء وهي تزيد في عطشهم. فبئس وردهم. وفي بعض النسخ: «بئس الورد المورود». فاللورد الذي هو النار مورود للواردين العطاش. فبئس الورد الذي يزيد في عطشهم. ورد به كسر واو، آبی است که تشنه برای نوشیدن آب و رفع عطش برآن وارد می‌شود. و آتش ضد آب است و موجب زیادی عطش می‌گردد. و بد جایگاهی است و در برخی نسخه‌ها «بئس الورد المورود» ضبط شده که ورد به معنای آتش است و مورود به معنای عطشان است جایی که عطش را زیاد می‌کند بد جایگاهی است (سلیمانی آشتیانی و درایتی، ۱۳۸۷، ج ۲، ۴۵۱) زائر خدا را شکر می‌گوید، زیرا خداوند دشمنان اهل بیت را وارد آتش می‌کند و آتشی که خدا برافروزد بد جایگاهی خواهد بود.

## منابع

١. ابن بابویه، محمد بن علی(شیخ صدوق)، **الأمالی**، کتابچی-تهران، چاپ: ششم.
٢. \_\_\_\_\_، **من لا يحضره الفقيه**، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ: دوم.
٣. ابن طاووس، علی بن موسی، **الطرائف** / ترجمه داود إلهامی، نوید اسلام - قم، چاپ: دوم.
٤. \_\_\_\_\_، **لھوف** / ترجمه میر ابو طالبی، دلیل ما - ایران ؛ قم، چاپ: اول.
٥. \_\_\_\_\_، **إقبال الأعمال**، دار الكتب الإسلامية - تهران، چاپ: دوم.
٦. ابن طیفور، احمد بن أبي طاهر، بی تا، **بلاغات النساء**، الشریف الرضی - قم، چاپ: اول.
٧. ابن عقدہ کوفی، احمد بن محمد، **فضائل أمیر المؤمنین علیہ السلام**، دلیل ما - ایران؛ قم، چاپ: اول.
٨. ابن غضائی، احمد بن ابی عبدالله، بی تا
٩. ابن قولویه، جعفر بن محمد، **کامل الزيارات**، دار المرتضویه - نجف اشرف، چاپ: اول.
١٠. ابن مشهدی، محمد بن جعفر، **المزار الكبير**، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم - قم، چاپ: اول.
١١. تقی، ابراهیم بن محمد، **الغارات أو الإستفار و الغارات**، انجمن آثار ملی - تهران، چاپ: اول.
١٢. جوادی آملی، عبدالله، **ادب فنای مقربان**، محقق: محمد صفائی، چاپ: سوم.
١٣. \_\_\_\_\_، پیامبر رحمت، محقق: محمد کاظم بادپا - قم، چاپ: دوم.
١٤. \_\_\_\_\_، **فلسفه زیارت**، انتشارات اسراء - قم.
١٥. \_\_\_\_\_، **تفسیر تسبیم**، محقق: احمد قدسی، چاپ: پنجم.
١٦. حر عاملی، محمد بن حسن، **تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشیعه**، مؤسسه آل البيت علیہ السلام - قم، چاپ: اول.
١٧. حلی، حسن بن یوسف، **رجال العلامه**، دار الذخائر - نجف اشرف، چاپ: دوم.
١٨. خوبی، سید ابوالقاسم، **معجم رجال الحديث**، بی تا.
١٩. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، **ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن**، مرتضوی - تهران، چاپ: دوم.
٢٠. زمخشیری، محمود بن عمر، **الفائق في غريب الحديث**، دار الكتب العلمیه - بیروت، چاپ: اول.
٢١. سلیمانی آشتیانی، مهدی و درایتی، محمد حسین، **مجموعه رسائل در شرح احادیث از الكافی**، دار الحديث - ایران ؛ قم، چاپ: اول.
٢٢. طباطبائی، سید محمد حسین، **المیزان**، ترجمه محمد باقر موسوی، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
٢٣. طریحی، فخر الدین بن محمد، **مجمع البحرين**، مرتضوی - تهران، چاپ: سوم.
٢٤. طوسي، محمد بن الحسن، **تهذیب الأحكام**، دار الكتب الإسلامية - تهران، چاپ: چهارم.

- (٢٥) \_\_\_\_\_، رجال الطوسي، ١٣٧٣ش، مؤسسه النشر الاسلامي التابعه لجامعه المدرسین بقم المقدسه، چاپ: سوم.
- (٢٦) \_\_\_\_\_، فهرست کتب الشیعه و اصولهم و اسماء المصنفین.
- (٢٧) عیاشی، محمد بن مسعود، ١٤٠٦ق، ق، تفسیر عیاشی، المطبعه العلميه - تهران، چاپ: اول.
- (٢٨) فيض کاشانی، محمد محسن ، ١٤٠٦ق، الوافى، کتابخانه امام أمیر المؤمنین علی علیه السلام - اصفهان، چاپ: اول.
- (٢٩) قرشی بنابی، علی اکبر، ١٤١٢ق، قاموس قرآن، دار الكتب الاسلاميه - تهران، چاپ: ششم.
- (٣٠) قمی، عباس، ١٣٨٥ش، مفاتیح الجنان، ترجمه: مهدی الله قشهای، نسیم حیات، چاپ: اول.
- (٣١) \_\_\_\_\_، ١٣٩٠ش، تحقیق: میر شفیعی خوانساری، سید فضل الله، سازمان اوقاف و امور خیریه ، چاپ اسوه.
- (٣٢) قمی، علی بن ابراهیم، ١٤٠٤ق، تفسیر قمی، دار الكتاب - قم، چاپ: سوم.
- (٣٣) کلینی، محمد بن یعقوب، ١٣٦٤ش، الروضه من الكافي / ترجمه رسولی محلاتی، انتشارات علمیه اسلامیه - تهران، چاپ: اول.
- (٣٤) \_\_\_\_\_، ١٤٠٧ق، الکافی، دار الكتب الإسلامية - تهران، چاپ: چهارم.
- (٣٥) کوفی، فرات بن ابراهیم، ١٤١٠ق، تفسیر فرات کوفی، مؤسسه طبع و نشر- تهران، چاپ: اول.
- (٣٦) مجلسی، محمد باقر ١٣٩٦ق، زندگانی حضرت سجاد و امام محمد باقر علیه السلام - تهران، چاپ: دوم.
- (٣٧) \_\_\_\_\_، ١٤٠٣ق، بحار الأنوارالجامعه للدرر أخبار الأئمه الأطهار، دار إحياء التراث العربي - بيروت، چاپ: دوم.
- (٣٨) \_\_\_\_\_، ملاذ الأخیار فی فهم تهذیب الأخبار، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی - قم، چاپ: اول.
- (٣٩) مجلسی، محمد تقی، ١٤٠٦ق، روضهالمتقین فی شرح من لا يحضرهالفقیه، مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور - قم، چاپ: دوم.
- (٤٠) مصطفوی، حسن، ١٣٦٨ش، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی - تهران، چاپ: اول.
- (٤١) مفید، محمد بن محمد، ١٤١٣ق، الأمالی، کنگره شیخ مفید - قم، چاپ: اول.
- (٤٢) \_\_\_\_\_، ١٤١٣ق، المزار- مناسک المزار، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید - قم، چاپ: اول.
- (٤٣) نجاشی، احمد بن علی، ١٣٦٥ش، رجال نجاشی، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم - قم، چاپ: ششم.